

مقاله پژوهشی

## تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی و سنجش وضعیت توسعه منطقه‌ای در استان‌های ایران

علی مصیب زاده\*؛ استادیار دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

اسماء مظفری نیا؛ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

محسن شبستری؛ کارشناس ارشد برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده:

با آنکه بیش از ۶ دهه از عمر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران می‌گذرد هنوز سایه سنگین شکاف و عدم تعادل فضایی بر مناطق سنگینی می‌کند. با پذیرش این موضوع که تنوعات منطقه‌ای در فرایند توسعه امری اجتناب‌ناپذیر و برای توسعه و پیشرفت یک کشور ضروری هستند می‌توان گفت که نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای ما را وادار ساخته تا خود را با تغییرات علمی در این زمینه وفق دهیم. تبارشناسی جریان توسعه در ایران نشان می‌دهد که رویکرد انباشت سرمایه و تحمیل نقش‌های خاص به مناطق عمدتاً بدون هیچ‌گونه تجزیه تحلیل هزینه - فایده اقتصادی و تنها بر اساس رویکرد قطب رشد و تمرکز سرمایه در یک فرآیند تاریخی صورت گرفته است. در این مقاله سعی شده است که به بررسی این مهم پرداخته شود. لذا برای درک چنین وضعیتی به تحلیل شرایط اقتصادی مناطق؛ در قالب نماگرهای توسعه از قبیل: جمعیت و نیروی انسانی (شهری - روستایی)، اشتغال و بیکاری، مشارکت اجتماعی، بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، GDP و .. با استفاده از تکنیک تاپسیس پرداخته شده است. نتایج تحقیق بیانگر این نکته است که سازمان فضایی ایران چند سطحی شده و استان‌هایی که قطب‌های توسعه هستند از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی از مناطق پایین دست خود بریده‌اند و با تمرکز بخشی در زمینه جذب سرمایه، جمعیت و صنعت زمینه‌های عدم تعادل فضایی درون و برون منطقه‌ای را سبب شده‌اند.

**کلمات کلیدی:** توسعه منطقه‌ای، توسعه یافتگی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نابرابری فضایی.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۲/۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۱

**بیان مسأله:**

یکی از ویژگی‌های مشخص کشورهای جهان سوم، تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها و عدم تعادل فضایی و ایجاد کمبودهایی در برخورداری از امکانات اقتصادی- اجتماعی است. برای رفع چنین کمبودهایی باید به بررسی نحوه پراکندگی شاخص‌های توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی پرداخت. اطلاع از جایگاه مناطق مختلف هر کشور و لحاظ کردن آن در برنامه‌ریزی (کوتاه مدت و بلندمدت) موضوعی است که به اثربخشی برنامه‌های توسعه آن کشور کمک به‌سزایی خواهد نمود، زیرا بدون مشخص شدن جایگاه هر یک از مناطق، هدف‌گذاری و استراتژی‌ها به تعادل فضایی کشور کمک نخواهد کرد. در میان ویژگی‌ها و مشخصات وضعیت مطلوب جامعه، توازن منطقه‌ای از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. توسعه و توازن منطقه‌ای در کنار توسعه همگام بخش‌های اقتصادی مختلف (کشاورزی، صنعت و خدمات) و توسعه اقتصاد داخلی و خارجی اجزاء کلیدی توسعه متوازن کشور را تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه توزیع نامتعادل منابع و عوامل اقتصادی، استعدادها و قابلیت‌های متفاوتی را برای مناطق مختلف به همراه داشته و از آنجا که یکی از بنیان‌های اطلاعاتی لازم جهت برنامه‌ریزی صحیح ملی و منطقه‌ای، آگاهی از توانمندی‌های مناطق مختلف است، تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف به‌ویژه از نظر میزان توسعه‌یافتگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا موفقیت در امر توسعه فضایی، مستلزم توجه به معیارهای اقتصادی براساس ارزش افزوده زیربخش‌های عمده اقتصادی در استان‌ها به منظور تدوین برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای بوده و در این رابطه قابلیت‌ها، استعدادها و سهم هریک از استان‌های کشور در این زمینه بایستی به دقت شناسایی بررسی گردد. هدف پژوهش حاضر، تشریح وضعیت توسعه‌یافتگی و کمک به شناخت امکانات و محدودیت‌های استانی در هریک از شاخص‌های اقتصادی جهت برنامه‌ریزی‌های آینده، متناسب با امکانات بالقوه و بالفعل استان‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که این مناطق بتوانند با توجه به پتانسیل‌هایی که دارند در داخل کشور به خوبی ایفای نقش کرده و از حداکثر ظرفیت‌ها جهت توسعه بیشتر مناطق‌شان استفاده کنند. بنابر این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: وضعیت توسعه منطقه‌ای استان‌های مختلف با وجود شش دهه از عمر برنامه‌ریزی منطقه‌ای چگونه است؟

**مبانی نظری و پیشینه تحقیق:****انزوای جغرافیایی و عدم توسعه یافتگی**

مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند، معمولاً از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه به دور هستند؛ همین امر سبب می‌شود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها تنزل یابد (Dawson et al., 2001). نابرابری‌های درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنهاست. در اکثر کشورهای درحال توسعه، یک یا دو منطقه و در نهایت، چند منطقه از نظر خدمات عمومی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، وضعیت مناسبی دارند و نقش عمده‌ای را در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب‌نگه‌داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی کشور صورت می‌پذیرد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰). در کشور ایران تفاوت‌ها و نابرابری‌های ناحیه‌ای با نرخ نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است؛ این وضعیت، به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته‌تر منجر شده است (Noorbakhsh, 2002). سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های عمومی گامی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تحقق توسعه متعادل به شمار می‌رود (Matsumoto, 2001). هم‌گرایی در توسعه مناطق زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کم‌تر توسعه یافته با شتاب بیشتری نسبت به سایر مناطق، رشد و توسعه یابند. در غیر این صورت، ادامه روندهای موجود با تمرکز توسعه اقتصادی در مناطق توسعه یافته، واگرایی و عدم تعادل ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت (Purohit, 2008). زیرا هر چه قدر

تفاوت‌های منطقه‌ای در ابعاد مختلف بیش‌تر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پر جاذبه می‌گردد. از این رو، دولت‌های ملی توجه فزاینده‌ای به مشکلات توسعه منطقه‌ای معطوف داشته‌اند و ماهیت منحصر به فرد مسائل اقتصادی و محیطی و نتایج ناشی از آنها را شناسایی می‌نمایند (Parham, 1996). در کشور ایران نیز یکی از اهداف مهم در برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی پس از انقلاب، کاهش محرومیت و رفع نابرابری بین مناطق مختلف بوده است (فطرس و بهشتی فر، ۱۳۸۵).

### نابرابری فضایی

نابرابری فضایی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن واحدهای فضایی یا جغرافیایی گوناگون در زمینه برخی متغیرها، در سطوح متفاوتی قرار دارند (Kanbur & Venables, 2005). به عبارت دیگر، منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضاست و در هر جامعه‌ای می‌تواند جلوه‌های متفاوتی به خود بگیرد. این می‌تواند شامل نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی درون شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و برخوردار و... باشد (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۰). نابرابری فضایی به عنوان یک مشکل برنامه‌ریزی، زمانی بروز می‌کند که ساختار فضایی نواحی مختلف دارای تفاوت‌های بارز و آشکاری باشند؛ تفاوت‌هایی که نیاز به تدوین راه‌حل‌های برنامه‌ریزی گوناگون در مورد نواحی مختلف داشته و جوابگوی هدف والای ایجاد برابری فضایی در یک منطقه باشند (حسامیان، ۱۳۷۶). در راستای سنجش نابرابری‌های فضایی، اولین و مهمترین گام، معرفی معیارهای مناسب سنجش است. پنج دسته‌بندی کلی از انواع معیارهای سنجش نابرابری فضایی<sup>۱</sup> مورد استفاده در مطالعات مختلف، قابل شناسایی‌اند که عبارتند از: معیارهای خدمات عمومی و اجتماعی - اقتصادی، رفاه و عدم رفاه، کالبدی و اجتماعی، کاربردها و خدمات رفاهی، منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی. پس از شناسایی نابرابری فضایی باید رهیافت مناسبی را برای مقابله و کاهش آن، به کار گرفت (خالو باقری، ۱۳۹۰). در داخل و خارج در زمینه تحلیل نابرابری‌های فضایی و سنجش وضعیت توسعه منطقه‌ای، مطالعاتی چند صورت گرفته است. در زمینه مطالعات صورت گرفته داخلی، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

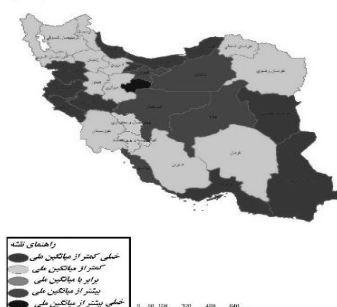
قنبری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «توزیع فضایی فعالیت‌های عمده اقتصادی در استان‌های کشور با استفاده از مدل ضریب مکانی LQ» پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که در طول برنامه چهارم، توسعه بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان، آب و برق و گاز، بهداشت و مددکاری اجتماعی، هتل و رستوران، واسطه‌گری‌های مالی و مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار در زمینه افزایش فعالیت‌های پایه‌ای در استان‌های کشور، روند مثبت و قابل توجهی داشته است. همچنین بیشترین روند افزایش رابطه مربوط به بخش ساختمان است. بخش‌های اقتصادی ماهیگیری، عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالا، حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، آموزش و سایر خدمات عمومی، اجتماعی و خانوادگی نیز در سطح استان‌های کشور در طی برنامه چهارم دارای روند کاهشی در زمینه فعالیت‌های پایه بوده‌اند که بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات بیشترین روند کاهش در بین بخش‌های مذکور را به خود اختصاص داده است. همچنین از تحقیقات متأخر، سخائی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی» پرداخته‌اند. هدف از این تحقیق هدف پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه عملکرد وزارت امور اقتصادی و دارایی است. به این منظور از تکنیک TOPSIS که برای اولویت‌بندی گزینه‌ها استفاده می‌شود. نتایج بیانگر آن است بیشترین و کمترین میزان شکاف در بین استان‌های کشور به ترتیب در حوزه گمرک و حوزه مالیات می‌باشد. در زمینه تحقیقات خارجی صورت گرفته نیز می‌توان به دو مورد را اشاره کرد:

۱. در مقاله حاضر اثرات متغیرهای کلان اقتصاد منطقه‌ای بر توسعه مناطق مورد بحث قرار می‌گیرد. منظور از منطقه، سطح فضایی معادل استان است. لذا مقصود از شرایط اقتصادی؛ نماگرهای توسعه یافتگی از قبیل: جمعیت و نیروی انسانی (شهری - روستایی)، اشتغال و بیکاری، مشارکت اجتماعی، بخش‌های سه‌گانه اقتصادی، GDP و .. هستند.

وانگ و وانگ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رقابت استانی صنایع با تکنولوژی بالای چین با استفاده از روش TOPSIS بهبود یافته<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. داده‌های این مقاله در سال ۲۰۱۱ و ۱۷ نماگر با ۳۱ استان بوده است. نتایج بیانگر آن است که برخی از استان‌ها مانند بیجینگ، تیان جین، شانگ‌های، جیانگ سو و گوانگ دونگ در رقابت با تکنولوژی بالا نسبتاً بالا بوده‌اند. از سوی دیگر شاخص سرمایه انسانی به عنوان مهم‌ترین بخش از رقابت با تکنولوژی بالا محسوب شده است.

زیاجینگ و جونجیه<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های توسعه اقتصادی منطقه‌ای در استان چجیانگ<sup>۳</sup> پرداخته‌اند. این مقاله از روش TOPSIS و ۱۰ نماگر از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ برای ۱۱ شهر از این استان استفاده کرده است. نماگرهای مورد استفاده عبارت از تولید ناخالص داخلی سرانه، تولید ناخالص داخلی، کل فروش خرده فروشی از کالاهای مصرفی، اجزای سازنده تولید ناخالص داخلی، کل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، سود کل شرکت‌های صنعتی بزرگ مقیاس، سرانه درآمد قابل تصرف سالانه خانوارها، سپرده پس‌انداز خانوارها، تعداد پروژه‌های منعقد شده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کل ارزش واردات و صادرات می‌باشد. نتایج بیانگر وجود تفاوت توسعه اقتصادی میان ۱۱ استان است.

مناطق پیرامونی ایران دارای ۱۶ استان و مناطق مرکزی دارای ۱۴ استان (با احتساب استان البرز در استان تهران) است حدود ۵۰ درصد مساحت و ۵۰/۷ درصد جمعیت کشور متعلق مناطق پیرامونی است، این امر بیانگر آن است که ۵۰ درصد توسعه کشور باید در مناطق مرزی متمرکز گردد تا تعادل‌های منطقه‌ای در الگوی فضای ناحیه ایران برقرار شود این در حالی است که تمرکز امکانات و خدمات در مرکز، باعث دورافتادگی برخی استان‌ها و محرومیت آنها از این مواهب گردیده است (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۵) در ادامه، نقشه موقعیت جغرافیای ایران براساس عدالت فضایی در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل (۱): نقشه موقعیت جغرافیای ایران براساس عدالت فضایی (منبع: قادری حاجت، ۱۳۹۴: ۷۱)

## روش تحقیق:

روش به معنی در پیش گرفتن راهی و یا معین کردن مراحل است که برای رسیدن به هدفی، می‌بایست با نظمی خاص آنها را دنبال کرد. به عبارت دیگر، روش کلیه وسایل، ابزار و مجموعه مراحل است که برای جمع‌آوری اطلاعات و کیفیت بررسی آنها جهت وصول به یک هدف انتخاب می‌شود (علی احمدی، ۱۳۸۶: ۷-۸). ماهیت پژوهش حاضر ترکیبی (کمی- کیفی) است و از نظر نوع تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی- توسعه‌ای می‌باشد. چرا که در زمینه سیاست‌های اجرایی از نتایج آن می‌توان بهره برد. برای گردآوری داده‌ها بخصوص در بخش مربوط به ادبیات و پیشینه پژوهش از شیوه اسنادی- کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش تحلیل، به بررسی رتبه‌بندی به روش TOPSIS<sup>۴</sup> از دیدگاه محاسباتی پرداخته می‌شود.

1. Improved TOPSIS Method
2. Xiajing D., & Z. H. Junjie
3. Zhejiang Province
4. Technique for order preference by similarity to ideal solution

الگوریتم تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حد ایده‌آل، یک تکنیک تصمیم‌گیری چندشاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه‌نمودن به جواب ایده‌آل است که به نوع تکنیک وزن‌دهی حساسیت بسیار کمی دارد و پاسخ‌ها حاصل از آن تغییر عمیقی نمی‌کنند. در این روش، گزینه انتخاب شده بایستی کوتاه‌ترین فاصله را با جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را با ناکارآمدترین جواب داشته باشد (پورطاهری، ۱۳۸۹).

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها براساس  $n$  آلترناتیو و  $k$  شاخص. مرحله دوم: استاندارد کردن داده‌ها از طریق تابع زیر و تشکیل ماتریس استاندارد. با توجه به اینکه جهت داده‌های ما مثبت می‌باشد از تابع زیر استفاده می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a^2_{kj}}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

برای استاندارد کردن جهت داده‌های منفی از تابع زیر استفاده می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{1}{\sqrt{\sum_{k=1}^m \frac{1}{a_{kj}}}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

مرحله سوم: تعیین وزن برای نماگرها: در این قسمت برای تعیین اهمیت هر یک از نماگرها، به این علت که در تعیین هدف برنامه ریزی دارای تاثیر متفاوتی می‌باشند، بنابراین باید در تاثیر هر یک از این نماگرها تمایزی قائل شود. برای این کار به تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها به روش‌های متفاوتی پرداخت. در اینجا از روش آنتروپی برای تعیین وزن نماگرها استفاده شده است. روش آنتروپی براساس پراکندگی مقادیر شاخص‌ها اوزان مربوط به هر شاخص را حساب می‌کند. (پورطاهری، ۱۳۸۹). مرحله چهارم: تعیین فاصله  $A^*$  (بالاترین عملکرد هر شاخص) که آن را با  $(A^*)$  و به صورت تابع زیر نشان می‌دهند:

$$A^* = \left\langle \left( \max_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left( \min_i v_{ij} \mid j \in J^i \right) \right\rangle \quad \text{رابطه (۳)}$$

مرحله پنجم: تعیین فاصله  $A^i$  (پایین‌ترین عملکرد هر شاخص) که آن را با  $(A^i)$  و به صورت تابع زیر نشان می‌دهند:

$$A^* = \left\langle \left( \min_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left( \max_i v_{ij} \mid j \in J^i \right) \right\rangle \quad \text{رابطه (۴)}$$

مرحله ششم: تعیین معیار فاصله‌ای برای گزینه ایدئال  $(S_i^*)$  و گزینه حداقل  $(S_i^-)$  که از توابع زیر به دست می‌آیند:

$$S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^*)^2} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad \text{رابطه (۶)}$$

مرحله هفتم: تعیین ضریبی که برابر با فاصله گزینه حداقل  $S_i^-$  تقسیم بر مجموع فاصله گزینه حداقل  $S_i^-$  و فاصله گزینه ایدئال  $S_i^*$  که آن را با  $(C_i^*)$  نشاناد می‌دهند و از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*} \quad \text{رابطه (۷)}$$

در این مقاله شاخص‌های مورد تحلیل مطابق تکنیک تاپسیس، برای سنجش وضعیت نابرابریهای فضایی و وضعیت توسعه‌ای استانهای ایران از شاخص‌های زیر که در جدول ۱ آمده‌اند استفاده شده است:

جدول (۱): شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل نابرابری فضایی و توسعه منطقه‌ای

شاخص‌های مورد تحلیل	بخش‌های فرعی	سال تحلیل (سال پایه)
جمعیت	نیروی انسانی - جمعیت شهری - جمعیت روستایی	۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵
بخش‌های سه‌گانه اقتصادی	کشاورزی	۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵
	صنعت	۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸
	خدمات	
مشارکت اقتصادی	-	۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸
درآمد سرانه	-	۱۳۹۴، ۱۳۹۵
تولید ناخالص داخلی	بدون نفت	۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵
نرخ بیکاری	-	۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸

### یافته‌های تحقیق:

برای سنجش وضعیت و نماگرهای توسعه منطقه‌ای استانهای کشور، سال‌های پایه ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ انتخاب و بر اساس تکنیک تاپسیس مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین با توجه به اسناد بالادستی توسعه منطقه‌ای وضعیت نهایی توسعه مناطق استان‌های مختلف کشور در جداول و نقشه‌ها تطبیق و به روزرسانی شده است. جدول شماره ۲ مرحله نهایی (مرحله هفتم) محاسبات که بیانگر وضعیت توسعه یافتگی است را نشان می‌دهد.

جدول (۲): وضعیت نهایی توسعه یافتگی منطقه‌ای استان‌های ایران بر مبنای تحلیل سال پایه ۱۳۹۵

استان	نماگر نهایی درجه توسعه یافتگی C*	استان	نماگر نهایی درجه توسعه یافتگی C*
تهران	۰/۸۸۷۷۰۶	اردبیل	۰/۰۸۷۵۳۶
خوزستان	۰/۴۶۰۲۸۵	زنجان	۰/۰۸۹۱۵۷
اصفهان	۰/۲۸۲۶۹۲	هرمزگان	۰/۱۰۷۴۸۹
خراسان رضوی	۰/۲۳۵۹۳۳	ایلام	۰/۰۶۸۷۹۶
بوشهر	۰/۲۰۰۴۶۰	لرستان	۰/۰۸۲۸۰۳
فارس	۰/۱۹۹۰۸۴	کردستان	۰/۰۷۹۵۰۵
مازندران	۰/۱۵۱۳۳۷	همدان	۰/۰۸۲۹۸۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۰۱۶۱۲	گلستان	۰/۰۹۰۳۱۰
آذربایجان شرقی	۰/۱۴۳۳۹۵	قزوین	۰/۰۷۸۰۶۶
کرمان	۰/۱۴۵۵۹۰	یزد	۰/۰۶۹۶۱۳
آذربایجان غربی	۰/۱۱۳۷۴۳	خراسان جنوبی	۰/۰۸۳۹۱۷
گیلان	۰/۱۲۰۰۰۷	سیستان و بلوچستان	۰/۰۸۲۹۶۲
البرز	۰/۱۲۴۶۶۸	سمنان	۰/۰۶۰۲۵۶
خراسان شمالی	۰/۰۹۱۴۵۶	چهارمحال و بختیاری	۰/۰۴۹۴۹۵
کرمانشاه	۰/۰۷۸۲۸۹	قم	۰/۰۲۸۹۵۱
مرکزی	۰/۰۹۶۸۰۵		

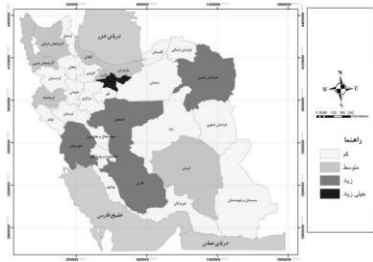
منبع: محاسبات نویسنده‌گان، ۱۳۹۸

جدول (۳): وضعیت نهایی توسعه یافتگی منطقه‌ای استان‌های ایران بر مبنای تحلیل سال پایه ۹۸

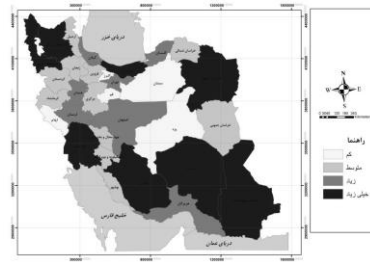
استان	نماگر نهایی درجه توسعه یافتگی C*	استان	نماگر نهایی درجه توسعه یافتگی C*
تهران	۰/۸۷۶۹۵۲	اردبیل	۰/۰۹۳۳۶۷
خوزستان	۰/۵۵۹۳۶۰	زنجان	۰/۰۹۲۵۳۲
اصفهان	۰/۲۵۹۲۷۱	هرمزگان	۰/۰۹۰۳۶۰
خراسان رضوی	۰/۲۲۰۴۳۱	ایلام	۰/۰۸۷۹۳۲
فارس	۰/۱۷۹۸۰۴	لرستان	۰/۰۸۷۴۷۲
بوشهر	۰/۱۶۰۸۴۰	کردستان	۰/۰۷۹۸۴۳
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۳۸۱۰۸	همدان	۰/۰۷۸۵۲۱
مازندران	۰/۱۳۵۴۴۲	گلستان	۰/۰۷۷۱۳۰
آذربایجان شرقی	۰/۱۳۳۱۸۸	قزوین	۰/۰۷۵۰۸۰
کرمان	۰/۱۲۱۴۲	یزد	۰/۰۷۱۶۵۴
آذربایجان غربی	۰/۱۱۲۲۵۱	خراسان جنوبی	۰/۰۷۱۴۶۷
گیلان	۰/۱۱۰۸۳۶	سیستان و بلوچستان	۰/۰۷۰۹۷۳
البرز	۰/۱۰۸۸۰۴	سمنان	۰/۰۵۱۰۴۴
خراسان شمالی	۰/۱۰۱۷۵۵	چهارمحال و بختیاری	۰/۰۴۱۴۳۱
کرمانشاه	۰/۱۰۰۲۵۱	قم	۰/۰۲۶۰۱۸
مرکزی	۰/۰۹۳۹۰۰		

منبع: محاسبات نویسنده‌گان، ۱۳۹۸

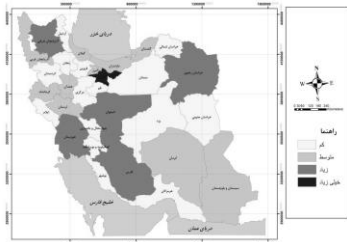
در بررسی و تحلیل موانع کلان برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران و با نگاهی به سند برنامه ششم کشور و با تبیین وضعیت کشور اشاره می‌شود در ساختار نظام اداره کشور سازوکار مشخصی در زمینه سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای که در آن مسیرها و جهت‌گیری‌های اصلی توسعه منطقه‌ای و نقش استان‌ها در دستیابی به اهداف کلان توسعه کشور مشخص شده باشد، وجود ندارد؛ و این روند تبعات مختلفی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و به ویژه سیاسی - امنیتی به دنبال داشته و خواهد داشت که از ادامه خروج منابع مالی و سرمایه‌های خلاق از استان‌های کمتر توسعه یافته تا تداوم مهاجرت از مناطق عقب مانده و کمتر توسعه یافته به مناطق پیشرو و برخوردار کشور را شامل می‌شود و می‌تواند ناپایداری توسعه ملی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در مناطق خاصی، افزایش واگرایی و نارضایتی از مرکز، توسعه نیافتگی در مناطق مرزی کشور و مواردی از این قبیل را به دنبال داشته باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴). در نتیجه باید هر چه سریع‌تر نسبت به کاهش شکاف توسعه بین مناطق، ایجاد تعادل نسبی در توسعه منطقه‌ای و توجه ویژه به مناطق بازمانده از توسعه در دستور کار قرار بگیرد (کلاتری و عبداله‌زاده، ۱۳۹۳). از زمینه‌های بسیار مهم بررسی آمایش سرزمین، شناخت عدم تعادل‌های ناشی از توسعه است که به دلیل ناموزون بودن توسعه کشورها در سطوح مختلف بخشی، اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای بروز می‌کند؛ چنین وضعیتی در اکثر مناطق و استان‌های مختلف کشورمان صادق بوده و در کشور مبحث توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی مختلف در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق به وجود آورده است (جداول ۲ و ۳ و شکل‌های ۲ الی ۹).



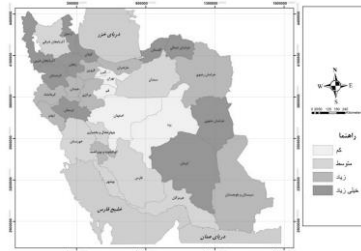
شکل (۲): نقشه میزان توزیع جمعیت شهری در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



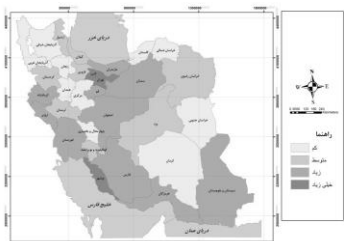
شکل (۳): نقشه میزان توزیع جمعیت روستایی در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



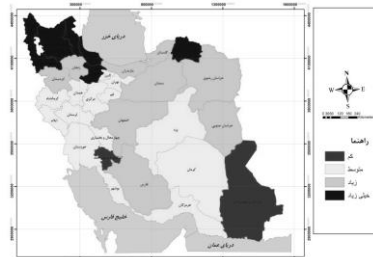
شکل (۴): نقشه میزان توزیع کل جمعیت در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



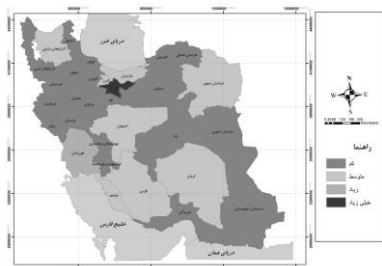
شکل (۵): نقشه درصد نیروی کار در بخش کشاورزی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



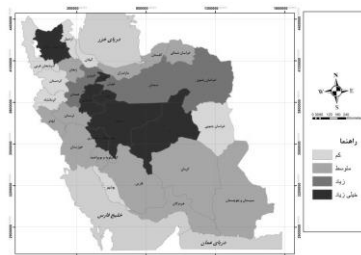
شکل ۶- نقشه درصد نیروی کار در بخش خدمات استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



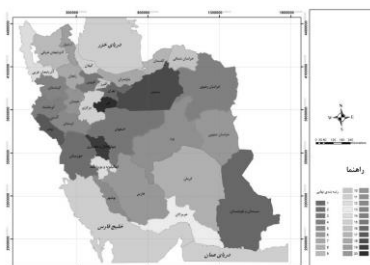
شکل ۷- نقشه نرخ مشارکت اقتصادی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



شکل (۸): نقشه تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



شکل (۹): نقشه درصد نیروی کار در بخش صنعت در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



شکل (۱۰): نقشه رتبه‌بندی کلی شاخص توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸ (منبع: ترسیم نویسندگان، ۱۳۹۸)



همانطور که نتایج رتبه بندی تکنیک تاپسیس در شکل ۱۰ و بقیه اشکال نشان می‌دهد در حقیقت شکاف بسیاری از نظر شاخص‌های توسعه منطقه‌ای بین استان‌های ایران وجود دارد. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست شناخت و سطح بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره می‌باشد (رضوانی و صحنه، ۱۳۸۴). سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش روند شکل‌گیری توسعه قطبی مناطق مشخص می‌گردد و در نهایت، در برنامه‌ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کم‌تر توسعه یافته تعیین و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می‌شود (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۳). گزارش توسعه انسانی در ایران (۱۹۹۹) به تبیین این تفاوت‌ها پرداخته و یکی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه انسانی در برنامه سوم توسعه را "توجه به برنامه‌ریزی فضایی به عنوان یک برنامه بلندمدت برای تحقق عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای" معرفی می‌کند (PBOIRI and UN, 1999). به هر حال، جهت تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد (Yu et al., 2010). استان تهران دارای وضعیتی بسیار مناسب‌تر به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه است و از ابتدا تا کنون برتری خود را در فرآیند توسعه حفظ کرده است. تبلور چنین جریانی پیش از هر چیز پیروی از الگوی رشد متمرکز منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در پایتخت به عنوان مرکز سیاسی دوست ساله کشور، روابط مرکز - پیرامون اقتصادی و رویکردهای از این دست است. در مرتبه دوم برخورداری، استان خوزستان به دلیل برخورداری از مزیت‌های اقتصاد منطقه‌ای همچون شرایط طبیعی و پتانسیل‌های ذاتی رشد از قبیل نفت سرشار و متعلقات آن، کشاورزی مستعد و جمعیت کافی توانسته است در فرآیند توسعه منطقه‌ای به عنوان استان برخوردار در شاخص‌های کلی خودنمایی کند. در مرتبه سوم توسعه یافتگی منطقه‌ای استان اصفهان قرار دارد. این استان به دلیل نزدیکی به پایتخت و قرارگیری در کریدور مرکزی ایران و شاهراه دسترسی به شمال و جنوب کشور، از اوایل دهه ۴۰ شمسی به دنبال صنعتی شدن آن و سرمایه‌گذاری بنگاه‌های داخلی و خارجی در زمینه صنایع سنگین به سرعت در مدار توسعه یافتگی قرار می‌گیرد. افزایش جمعیت شهرنشین، ایجاد شهرها و شهرک‌های صنعتی در منطقه کلان‌شهری اصفهان تقاضا را برای انواع فعالیت‌ها و نهایتاً جذب بودجه بالا می‌برد، قدرت چانه‌زنی اقتصادی و سیاسی در جذب اعتبارات به مرور موجب توسعه منطقه‌ای استان شده است. استان خراسان رضوی در مرتبه چهارم توسعه یافتگی قرار دارد. نقش مذهبی و فرهنگی استان، اقتصاد کشاورزی قوی، قرارگیری دومین شهر بزرگ کشور، جذب جمعیت شناور ناحیه شرق کشور و مقصد انواع مهاجرت‌ها موجب شده است تا این استان طی فرآیند تاریخی خود در مدار توسعه منطقه‌ای قرار گیرد. هر چند تبلور چنین جریانی بیشتر در منطقه مادرشهری مشهد متبلور است اما این کلانشهر با مسائل ساختاری ویژه‌ای از قبیل حاشیه‌نشینی، اقتصاد ناکارآمد شهری و.. مسائل دیگری دست به گریبان است. در مراتب بعدی استانهای بوشهر و فارس قرار دارند. استان بوشهر علی‌رغم جمعیت و مساحت کم خود توانسته است در وضعیت توسعه منطقه‌ای مناسب ظاهر شود. علت چنین جریانی برخورداری از پتانسیل‌های ذاتی از قبیل نفت و گاز و سرمایه‌گذاریهای دولت در بخش‌های هوا، نیرو، دریا و ترانزیت کالا است. بدیهی است که بیشتر جمعیت این استان را مهاجرانی تشکیل می‌دهند که به عنوان نیروی انسانی در بخش‌های مذکور فعال هستند. استان فارس نیز به عنوان استان پهناور ایران دارای پتانسیل‌های منطقه‌ای بسیاری در زمینه انواع کانسار، کشاورزی و نهاده‌های آن است. نقش فرهنگی و گردشگری استان، جمعیت سرشار و رشد منطقه مادرشهری شیراز به عنوان پنجمین ناحیه بزرگ ایران توانسته است در نشست توسعه (trickle down) به سمت سایر مناطق استان مؤثر افتد. در مرتبه هفتم توسعه منطقه‌ای، استان مازندران قرار دارد. این استان به دلیل نزدیکی به پایتخت، همجواری با دریا و بهره‌مندی از متعلقات آن (صنعت ماهیگیری، تجارت دریایی و..)، اقتصاد کشاورزی و گردشگری قوی توانسته است در شاخص توسعه یافتگی منطقه‌ای مناسب ظاهر شود. به نظر می‌رسد استان مازندران تنها استانی باشد که تفاوت فاحشی بین مناطق

شهری و روستایی آن وجود ندارد، چراکه اثر جغرافیایی مکان (فقدان تباین‌های شدید ناحیه‌ای) به خوبی توانسته است تفاوت‌های درون منطقه‌ای را کاهش دهد. شاید تنها مشکل استان ضعف ساختاری در دسترسی به خدمات اساسی در مناطق روستایی و بی‌بهره باشد. استان کهگلویه و بویراحمد علی‌رغم جمعیت کم خود توانسته است در بهره‌مندی از شاخص‌های دیگر توسعه منطقه‌ای مناسب ظاهر شود هر چند از نظر شاخص توسعه صنعتی ضعیف محسوب می‌شود. اما در بسیاری از شاخص‌های دیگر دارای وضعیتی به نسبت متوسط است. استان آذربایجان شرقی با مرکزیت تبریز به عنوان بزرگترین شهر ناحیه غرب و شمال شرق کشور از نظر شاخص‌های توسعه منطقه‌ای وضعیت مناسبی را داراست. قطب کشاورزی ناحیه شمال شرق کشور، توسعه صنعتی و ماشین‌آلات پیشرفته، صنایع غذایی، شهرک‌های صنعتی فراوان، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این استان موجب شده است که این استان از استان‌های برخوردار ایران محسوب شود. هرچند که مناطق روستایی این استان هنوز با مشکلات معیشتی و ضعف اساسی در برخورداری از امکانات روبرو هستند. استان کرمان به عنوان استان پهناور ایران در بسیاری از شاخص‌های توسعه کشاورزی و توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی به ویژه معادن، کانسارها و جذب سرمایه داخلی عملکرد مناسبی را داشته است. هرچند از نظر شاخص‌های دسترسی و برخورداری بسیاری از مناطق شهری و روستایی استان وضعیت مناسبی ندارند. استان آذربایجان غربی نیز به دلیل وجود شباهت‌های بسیاری در ساختار توسعه منطقه‌ای به مانند استان آذربایجان شرقی است. اقتصاد کشاورزی، نقش کمابیش صنعتی، شهرهای فراوان با حوزه‌های نفوذ تحت پوشش زیاد از ویژگی‌های آن است. همچنین استان گیلان و نوار ساحلی کشور شامل استان‌های آن تقریباً دارای نقش‌های مکمل هم بوده و وضعیت توسعه منطقه‌ای به تبعیت از توزیع بارش و ویژگی‌های طبیعی؛ چهره‌ی متعادل‌تری را دارا هستند. استان البرز که در سال ۱۳۸۹ و طی مصوبه هیئت دولت دهم زاده شد عملاً ساختار متجانس و جدایی‌ناپذیری با تهران دارد. این استان پیوند عملکردی - قلمروی ناگسستگی با استان تهران داشته و بخشی از منطقه کلانشهری تهران است. تراکم فعالیت‌های صنعتی و بازار شناور خدمات از ویژگی‌های بارز آن است. در حقیقت استان البرز بخش اصلی جمعیت شناور و مهاجر اقماری تهران است که از لحاظ خدمات و دسترسی وابسته با این استان و به ویژه کلانشهر تهران است. در حقیقت نماگرها توسعه در این استان بیشتر منعکس‌کننده‌ی چهره جمعیت شهری است. استان‌های سه‌گانه خراسان و به ویژه خراسان شمالی منطقه‌ای متجانس از نظر ویژگی‌های جغرافیایی هستند با این تفاوت که عملکرد خراسان رضوی با محوریت کلانشهر مشهد دارای ساختار اقتصادی خدماتی (مذهبی - فرهنگی)، کشاورزی و سپس صنعتی است. این در حالی است که خراسان شمالی و جنوبی بیشتر عملکرد کشاورزی دارند. از طرفی نرخ مشارکت اقتصادی در این استان بالا بوده است. استان کرمانشاه با مرکزیت کلانشهر کرمانشاه به عنوان نهمین کلانشهر منطقه‌ای ایران و دومین شهر بزرگ کشور در منطقه غرب و شمال غرب پس از تبریز توانسته است به عنوان قطب توسعه در منطقه غرب و به ویژه خود استان نقش آفرینی کند. در حقیقت نقش و کارکرد چندگانه کلانشهر کرمانشاه طی سال‌های اخیر توانسته است در بسیاری از شاخص‌های توسعه از قبیل خدمات رسانی به مناطق تحت پوشش، حوزه نفوذ قوی و کارکردهای صنعتی در بهبود شاخص‌های توسعه مؤثر افتد. از طرفی جمعیت متمرکز شهری و اقتصاد کشاورزی مبتنی بر تولید شهری - روستایی توانسته است در بهبود درآمد ساکنان موازنه مثبت ایجاد کند. همچنین استان مرکزی به عنوان استانی با قابلیت دسترسی به تمام نقاط ایران و قرارگیری در مرکز توانسته است به عنوان قطب جاذب سرمایه عمل کند، ساختار اقتصادی مبتنی بر تولید کارخانه‌ای - صنعتی و کشاورزی از مهمترین ویژگی‌های منطقه‌ای این استان است. استان اردبیل به عنوان منطقه شمال و شمال غرب نیز دارای کارکرد چندگانه است. جمعیت شهری فعال در بخش خدمات و اقتصاد کشاورزی مبتنی بر تولید روستایی، تولید ناخالص داخلی و نرخ مشارکت اقتصادی بالا از ویژگی‌های این استان است. استان زنجان نیز به عنوان کریدور دسترسی به منطقه غرب و شمال غرب دارای چهره‌ای نسبتاً صنعتی است. جمعیت متمرکز شهری با کارکرد خدماتی - صنعتی و اقتصاد کشاورزی روستایی از ویژگی‌های بارز این استان است. یکی از ویژگی‌های بارز این استان فقدان توسعه مطلوب روستایی و حوزه‌های نفوذ شهری ناچیز در ارائه

خدمات است. استان هرمزگان به عنوان استان جنوبی ایران به تبعیت از شرایط محیطی دارای کارکردهای مبتنی بر اقتصاد دریایی، کارکردهای نظامی و هوانیرو و نفت و صنایع وابسته در مناطق ساحلی است. هر چند بیشتر جمعیت استان در حواشی سواحل پناه گرفته‌اند و مناطق داخلی استان به جز پاره‌ای نقاط خالی از سکنه هستند اما فاصله زیاد مناطق شهری و روستایی، توزیع نامناسب جمعیت و اقتصاد ناکارآمد شهری از ویژگی‌های مشخص استان است. چهار استان ایلام، لرستان، کردستان و همدان به عنوان مناطق متجانس غرب در بسیاری از ویژگی‌های طبیعی، انسانی و فرهنگی متجانس هستند. ساختار و عملکرد عمدتاً کشاورزی - خدماتی، فقدان توسعه صنعتی، مناطق روستایی دوردست و بی‌بهره، فقدان راه‌های مواصلاتی و دسترسی به ویژه راه روستایی از مهمترین ویژگی‌های این چهار استان است. استان گستان به عنوان حد شرقی نوار ممتد ساحلی شمال کشور نیز در شاخصهای توسعه کشاورزی، مشارکت اقتصادی و تولید ناخالص داخلی وضعیت مطلوبی را داراست. این استان از نظر شاخص های توسعه یافتگی نسبت به استان‌های نوار ساحلی وضعیت پایین تری را دارد. شاید تبلور چنین جریانی ناشی از تغییر توزیع بارش از ناحیه غرب به شرق نوار ساحلی و دسترسی کمتر به دریا باشد. استن قروین نیز به عنوان استانی با قابلیت دسترسی مطلوب به کریدورهای توسعه ایران مرکزی و منطقه غرب توانسته است در تعدادی از شاخصهای توسعه منطقه‌ای از قبیل اقتصاد صنعتی - خدماتی در بخش شهری و کشاورزی روستایی قوی عمل کند. استان سیستان و بلوچستان به عنوان حاشیه اقتصادی - جغرافیایی در سطح سوم توسعه یافتگی (ضعیف) قرار دارد. فاصله جغرافیایی از مرکز و به ویژه پایتخت، فقدان استعدادهای طبیعی مزیت آفرین، مناطق شهری و روستایی پراکنده و بی‌بهره از خدمات، اقتصاد کشاورزی ضعیف، نبود بنیان‌های صنعتی و.. موجب شده که این استان از مدار توسعه عملاً کنار گذاشته شود. خراسان جنوبی نیز همانطور که پیشتر اشاره شد با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، مشارکت اقتصادی و تولید ناخالص داخلی بالا دارای نقاط قوتی است. این در حالی است که پراکنش فضایی نامناسب نقاط شهری و روستاهای عمدتاً بی بهره از خدمات از ویژگی‌های ضعف آن است. استان یزد نیز به عنوان منطقه صنعتی با اقتصاد کشاورزی قوی دارای وضعیت مناسبی است. اما به دلیل حاکمیت جبر جغرافیایی و عدم مساعدت‌های طبیعی، بیشتر جمعیت استان در مناطق شهری و در محورهای شمالی استان متمرکزاند. این درحالی است که مناطق روستایی عمدتاً کم و پراکنش نامناسبی دارند. استان سمنان نیز از ابتدا دارای نقش و عملکرد صنعتی بوده و اقتصاد غالب مناطق شهری آن خدماتی است. بیشتر جمعیت استان در سه شهر اصلی آن (سمنان)، متمرکز بوده و پراکنش مناطق روستایی آن نامنظم است. حوزه‌های نفوذ کم مناطق شهری در پوشش مناطق روستایی از ویژگی‌های اصلی این استان است. هرچند استان چهار محال و بختیاری نیز دارای نماگرهای مثبت در تولید ناخالص داخلی، نیروی کار در بخش صنعت و اقتصاد کشاورزی قوی است اما عملاً از نظر بسیاری از شاخصهای توسعه یافتگی در مرحله ما قبل آخر قرار دارد. در مرتبه نهایی این رتبه‌بندی استان قم قرار دارد. هرچند استان قم به دلیل کارکرد و نقش مذهبی و فرهنگی و نیمه صنعتی آن عمدتاً در شاخصهای توسعه شهری مناسب است اما فقدان جمعیت روستایی، جمعیت متمرکز شهری در بخش خدمات، فقدان مزیت‌ها و استعدادهای طبیعی موجب شده‌اند که این استان وضعیت مناسبی را دارا نباشد.

### نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها:

جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آنها در طول زمان، نابرابری‌های منطقه‌ای را در ایران نشان می‌دهد. مقایسه و تحلیل نماگرهای توسعه منطقه‌ای در ایران نشان می‌دهد که در توزیع جغرافیایی منابع توسعه سرزمین همگونی و عدالت توزیعی وجود ندارد. بخشهای از مناطق ایران بنابر وضعیت ناحیه‌ای و تصمیمات ارادی دولتها در فرآیند توسعه در کانون توسعه سرمایه دارانه و تمرکز بخشی قرار گرفته‌اند و بخشهای دیگر از این مناطق بنابر دلایل مختلف از این فرآیند به صورت مقطعی کنار گذاشته شده‌اند. تجربیات رشد نامتوازن در ایران حاکی از آن است که توسعه سریع صنعتی در بلندمدت نه تنها مستلزم توجه خاص به مسائل مربوط به توسعه کشاورزی و بهبود وضعیت مناطق محروم است، بلکه در عین حال نیازمند به کار بستن

ضوابط کارآیی اقتصادی - اجتماعی است و باید حداقل هدف‌های مربوط به اختلاف درآمد شهر و روستا و تعادل بین منطقه‌ای برای پیشبرد اهداف صنعتی نیز تعیین شود. بدیهی است که در فرآیند توسعه منطقه‌ای در ایران رویکرد انباشت سرمایه و تحمیل نقش‌های خاص به مناطق عمدتاً بدون هیچ‌گونه تجزیه تحلیل و هزینه - فایده اقتصادی و تنها بر اساس رویکرد قطب رشد صورت گرفته است و استفاده معقول و حداکثری از منابع سرزمین صورت نگرفته است. پیامد چنین رویکردی بروز شکاف‌های فاحش توسعه‌ای درون و برون منطقه‌ای و شکل‌گیری سطوح چندگانه توسعه است. در چنین فرآیندی استانهای تهران، خوزستان، اصفهان و خراسان رضوی با جذب حداکثری جمعیت، سرمایه و امکانات توسعه از مناطق پایین دست خود بریده‌اند. بازتاب چنین جریان توسعه‌ی محدوده‌های کلانشهری، توزیع ناموزون جمعیت و شکل‌گیری جریان‌های مهاجرتی بین مبداء و مقصد، شکل‌گیری اقتصاد خدماتی بدون ارزش افزوده کارکردی، حبابی و تورم‌زا با فشار بیشتر بر منابع اکولوژیک، مدرنیزه کردن صنایع و توسعه جانشینی واردات، کاهش ارتباط ارگانیک بین بخش صنعت و کشاورزی، اولویت سیاست‌های حمایتی برای تولید کالاهای مصرفی بادوام، افزایش هزینه‌های شهرنشینی، افزایش مهاجرت نیروی کار جوان و فعال از روستا به شهر، کاهش تولیدات روستایی، مرکزیت سیاسی، اداری و اقتصادی قطبهای خاص، تشکیل قطب تصمیم‌گیری و حکومتی در تهران، تجمع سرمایه و درآمد در تهران و رشد و نفوذ اشرافیت همراه بوده است. در آنسوی توسعه نیافتگی، استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، یزد، سمنان، چهارمحال و بختیاری و قم در شاخص‌های تفصیلی توسعه منطقه‌ای وضعیت رضایت‌بخشی ندارند. هر چند که به دلیل تمرکز بخشی؛ مراکز استانها و مناطق کلانشهری عمدتاً وضعیت نیمه‌مساعدی دارند اما اکثر مناطق این استانها به ویژه نواحی روستایی وضعیت نامناسبی به لحاظ دسترسی به امکانات زیربنایی و خدمات را دارا هستند. فاصله بسیاری به لحاظ کیفیت زندگی در مناطق شهری و روستایی نه تنها در پنج استان متأخر بلکه در چهارگوشه ایران قابل مشاهده است. موارد یاد شده برای رفع دوگانگی اقتصادی مستلزم گسترش همکاری‌های درون و برون منطقه‌ای، تثبیت سیاست‌های منعطف اقتصادی برای رشد مداوم و کنترل تورم، ایجاد جو اطمینان برای سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی، تضمین تشویق‌های پولی و مالی و بالابردن استاندارد زندگی قشرهای محروم جامعه است. براساس یافته‌های محققان علوم مختلف و براساس یافته‌های این تحقیق، کشور ما ایران به‌عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه از عدم تعادل توسعه رنج می‌برد و این عدم تعادل در نظام فضایی کشور باعث به وجود آمدن چند قطب معدود و برخوردار و اکثریت عظیم محروم گشته است. چنین وضعیتی در اکثر مناطق و استان‌های مختلف کشورمان صادق بوده و در کشور مبحث توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی مختلف در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق به وجود آورده است. متأسفانه به سبب عدم وجود مکانیسم مشخص و برنامه‌ریزی شده در خصوص تخصیص اعتبارات ملی متمرکز (ابلاغی، سایر منابع، ملی) بین دستگاه‌های اجرایی استان‌های کشور، استان‌هایی برخوردارتر که اتفاقاً که دارای قدرت مدیریتی و چانه زنی بهتری هستند قادرند سهم بیشتری از اعتبارات مذکور را جذب کرده و از این طریق گام‌های استوارتری در مسیر توسعه استانی بردارند. پرواضح است استان‌هایی که برخورداری که دارای سابقه بیشتری بوده و به جمیع دلایلی که ذکر آن خارج از این مجال است، در سالیان گذشته دارای مدیران ارشدتری در سطوح مدیریتی اقتصادی کشور بوده‌اند، قادر خواهند بود سهم بیشتری از اعتبارات ملی متمرکز را جذب نموده و این امر نیز سبب شود تا مسیر تکالیف قانونی عدم تبعیض در بهره‌مندی استان‌ها از امکانات و منابع عمومی کشوری و کاهش شکاف‌های توسعه‌ای استانی با سطح واقعی توسعه یافتگی استان‌ها از یکدیگر جدا باشد. خراسان شمالی نمود عینی جدا بودن چنین مسیرهای است. بنابراین نظام برنامه‌ریزی باید توجه خود را به برنامه‌ریزی از پایین قرار بدهد تا مناطق محروم و توسعه نیافته نیز در مسیر توسعه و پیشرفت قرار بگیرند. بر اساس رهیافت‌های تحقیقات پیشین و نتایج پژوهش حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تکیه بر توان‌های منطقه‌ای و توجه به ذات و قابلیت مناطق بر مبنای منابع موجود محلی و خلق مزیت‌های نسبی.
۲. تشویق به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ارائه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی در مناطق محروم و توسعه نیافته به ویژه در مناطق روستایی.
۳. راهبرد باز توزیع فضایی و مدیریت جریان پول و سرمایه در پهنه سرزمین.
۴. تمرکززدایی و ساماندهی جمعیتی - صنعتی از مناطق کلانشهری به ویژه در استان تهران.
۵. توسعه بخشهای کشاورزی و صنعت و مدیریت منابع آب سرزمین، تدوین و کاربست برنامه‌های توسعه بخشی با نگرش فضایی و یکپارچه در راستای تقسیم کار منطقه‌ای.
۶. تدوین برنامه مدون و جدی توسعه اشتغال و خدمات روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت‌های درون و برون منطقه‌ای.
۷. عدم پایتخت محوری و توجه بیش از حد به مرکز که یکی از موانع مهم عدالت منطقه‌ای است.
۸. تقویت مناطق جنوبی و محروم و ارائه زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و... به خصوص در هنگام شیوع بیماری‌های فراگیر همچون کرونا که در حال حاضر گریبان‌گیر تمام مناطق کشور است.

## منابع

- پورطاهری، مهدی، (۱۳۸۹): کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت، تهران.
- جدیدی میاندشتی، مهدی (۱۳۸۲): «توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح‌بندی توسعه‌ی مناطق»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، صفحات ۴۱-۱۷.
- خالو باقری، مهدیه (۱۳۹۰): «رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی؛ نمونه موردی: منطقه ۱۳ شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- داداش‌پور، هاشم، علیزاده، بهرام و مدنی، بهاره (۱۳۹۰): «بررسی و تحلیل روند توسعه یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستانهای استان آذربایجان غربی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۳، صص ۱۷۳-۲۰۸.
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳): «سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان سنندج با استفاده از GIS»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳، ۱۶۳-۱۴۹.
- زیاری، کرامت‌الله، محمدی، اکبر و عطار، خلیل (۱۳۹۰): «بررسی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی»، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی سال اول، شماره سوم، زمستان، ۱۶-۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۸۲): سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سخائی، عمادالدین، فهیمی‌فر، فاطمه و فهیمی‌فر، فرزاد (۱۳۹۴): «پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی»، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، ۲۶-۵.
- علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۸۶): توصیفی جامع از روش‌های تحقیق، تهران: تولید دانش.
- قنبری، یوسف، برقی، حمید و حجاریان، احمد (۱۳۹۱): «توزیع فضایی فعالیت‌های عمده اقتصادی در استان‌های کشور با استفاده از مدل ضریب مکانی، اقتصاد: راهبرد توسعه»، شماره ۳۲، ۲۲۳-۱۶۸.
- فطرس محمدحسن و بهشتی فر، محمود (۱۳۸۵): «تعیین سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آنها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، نامه مفید، دوره ۱۲، شماره ۵۷ (نامه اقتصادی)، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- کلاتری، خلیل و عبدالله‌زاده، غلامحسین، (۱۳۹۴): برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، چاپ سوم، مهندسین مشاور طرح و منظر، تهران.
- Dawson, G., Osterling, J., Rinaldi, J., Carver, L., and McPartland, J. (2001): Brief report: Recognition memory and stimulus-reward associations: Indirect support for the role of

ventromedial prefrontal dysfunction in autism. *Journal of autism and developmental disorders*, 31(3), 337-341.

Dadashpour, Hashem., Alizadeh, Bahram ., Madani, Bahareh (2011). " A Study and Analysis of the Process of Development and Spatial Inequalities in the Cities of West Azerbaijan Province" , *Social Sciences Quarterly*. No. 53, pp. 173-208. (in persian)

Ghanbari, Yousef., Barghi, Hamid ., Hajjarian, Ahmad (2012). " Spatial distribution of major economic activities in the provinces of the country by using the spatial coefficient model, *Economics: Development Strategy*". No. 32, 223-168. (in persian)

Fitres, Mohammad Hassan ., Beheshtifar, Mahmood (2006). " Determining the level of development of the country's provinces and inequality between them during the years 1373 and 1383", *Mofid letter*. Volume 12, Number 57 (economic letter), pp. 101-122. (in persian)

Hwang, C. L. & K. Yoon, (1981): *Multiple Attribute Decision Making*. In: *Lecture Notes in Economics and Mathematical Systems*, P. 186, Springer-Verlag, Berlin.

Jadidi Miandashti, Mehdi (2003). " Balanced distribution of financial resources by regional development leveling method", *Quarterly Journal of Economic Research*, No. 11 and 12, pp. 41-17. (in persian)

Kanbur, R., & Venables, A. J. (2005): *Rising spatial disparities and development*.

Parham, P., & Ohta, T. (1996): *Population biology of antigen presentation by MHC class I molecules*. *SCIENCE-NEW YORK THEN WASHINGTON-*, 67-73.

Kalantari, Khalil ., Abdollahzadeh, Gholam Hossein (2015), *Spatial Planning and Land Management*, Third Edition, Design and Landscape Consulting Engineers, Tehran. (in persian)

Khalo Bagheri, Mahdieh (2011). " Confronting Spatial Inequality by Using Planning Based on Improving Quality of Life; Case study: District 13 of Tehran" , M.Sc. Thesis in Urban and Regional Planning, Faculty of Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran. (in persian)

Management and Planning Organization of the country (2003). *Landscape document of the Islamic Republic of Iran on the horizon of 1404 AH and the general policies of the fourth program of economic, social and cultural development of the Islamic Republic of Iran*. (in persian)

Matsumoto, D. (2001): *Culture and emotion*. In D. Matsumoto (Ed.), *The handbook of culture and psychology* (pp. 171–194). New York: Oxford University Press.

Noorbakhsh, F., (2002), *Human development and regional disparities in Iran: a policy model*. *Journal of International Development* 14, 927–949.

Pourtaheri, M. (2010). *Application of Multi-Index Decision Making Methods in Geography*, Semat Publications, Tehran. (in persian)

PBOIRI (Plan and Budget Organisation of the Islamic Republic of Iran) and United Nations (1999): *Human Development Report of the Islamic Republic of Iran 1999*, Plan and Budget Organization of the Government of Iran and the United Nations, Tehran.

Rezvani, Mohammad Reza (2004). " Assessment and Analysis of Developmental Rural Areas in Sanandaj County Using GIS", *Journal of Geography and Regional Development*. No. 3, 163-149. (in persian)

Sakhaei, Emadodin., Fahimifar, Fatemeh ., Fahimifar, Farzad (2015). " Monitoring the performance and ranking of provinces based on indicators in the field of the Ministry of Economic Affairs and Finance" , *Economic Journal*. Nos. 11 and 12, 26-5. (in persian)

Wang Z. H. & Y. Wang (2014): *Evaluation of the Provincial Competitiveness of the Chinese high-tech Industry using an Improved TOPSIS Method*. *Expert Systems with Applications*, Vol. 41, PP. 2824–2831.

Xiajing D., & Z. H. Junjie (2011): *The TOPSIS Analysis on Regional Disparity of Economic Development in Zhejiang Province*. *Canadian Social Science*, Vol. 7, No. 5, PP. 135-139.

Yu L., Hou X., Gao M. and Shi P (2010): *Assessment of coastal zone sustainable development: A case study of Yantai, China*, *Ecological Indicators*. No. 10, pp. 1218–1225.

Ziari, Keramatullah, Mohammadi, Akbr ., Attar, Khalil (2011). " Investigation of the degree of development of the country's cities and its relationship with urbanization rate" , *Journal of Spatial Planning*. No. 3, Winter, 16-1. (in persian)